

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

رویکرد فرهنگی اهل بیت (ع) در برابر احیای مجدد جاهلیت

سید علالدین شاهرخی*

چکیده

جاهلیت به عنوان مفهومی ضدارزش‌های الهی و به دور از حیطة‌ی شعور و آگاهی انسانی به طور کامل در قرآن کریم و سیره‌ی رسول اکرم (ص) طرد گردید. وجود لایه‌های عمیق و گرایش‌های درونی و به خصوص اهتمام خلفای اموی و عباسی در احیای مجدد جاهلیت موجب گردید تا عملاً تغییر و تحول فرهنگی شبه‌جزیره از جامعه‌ای جاهلی به اسلامی دچار چالش جدی گردد. سوال اساسی آن است که در این شرایط که جاهلیت با هویت جدیدی پدیدار گردید و نه تنها عامه‌ی مردم بلکه خواص نیز آن را همراهی کردند اهل بیت (ع) چه موضعی اتخاذ نمودند؟ و محورهای مهم فعالیت آنان برای حفظ اسلام ناب چه بود؟

این مقاله با رویکردی تاریخی - تحلیلی به این نکته می‌پردازد که چگونه این فرزندان شایسته‌ی پیامبر (ص) با درکی کامل و جامع از اسلام و در نقطه‌ی مقابل خطر ویرانگر احیای جاهلیت که از حادثه‌ی سقیفه آغاز شده بود به انجام تکلیف الهی خود همت گماردند. آنان با خلوص کامل و تحمل هرگونه مشکلات از جمله اهانت، اسارت، آوارگی و شهادت با برنامه‌ای منسجم و عمیق در مقابل احیای مجدد جاهلیت پایداری نمودند.

ارائه‌ی راهکارهای اعتقادی و اخلاقی برگرفته‌ی از قرآن و سنت نبوی (ص) و عملیاتی کردن آنها موجب حفظ و استمرار فرهنگ اصیل اسلامی در این شرایط دشوار گردید.

واژگان کلیدی: اهل بیت (ع)، اسلام، جاهلیت، خلافت اموی، خلافت عباسی

مقدمه

عموم مورخان بر جاهلیت اعراب شبه جزیره تا هنگام گسترش اسلام اتفاق نظر دارند البته چند تن از محققان بیشتر بر امی بودن اکثریت عرب جاهلی و فقدان قدرت خواندن و نوشتن آنها تأکید نموده اند (ابن قتیبه، ۱۳۰۰ق، ۲۴۰ و ابن سعد، ۱۳۷۳ق، ۳، ص ۵۲۲، ۵۲۶ و ۵۳۱). در برخی از متون تاریخی به روابط تجاری بین اعراب و سایر ملل و همچنین وجود مظاهر تمدن در پاره ای از نقاط جزیره العرب به ویژه یمن اشاره شده است، به همین دلیل آنها جاهلیت را به عنوان نوعی عقب ماندگی و جهل نمی پذیرند و اصل جاهلیت را قبول ندارند. افرادی همچون یحیی الجبوری و گوستاو لوبون این دیدگاه را دارند (لوبون، ۱۳۵۸، ۷-۱۰۱).

بعثت رسول گرامی اسلام در حالی رخ داد که جاهلیت بر جامعه‌ی اعراب حاکمیت کامل داشت لذا بخش مهمی از فعالیت‌های ایشان متمرکز بر گذر دادن جامعه‌ی جاهلی به جامعه‌ی مطلوب و ایده‌آل اسلامی و ایجاد نظام امامت گردید. طرد تعصبات قومی و نژادی، مبارزه با نظام اشرافی و ریش سفید سالاری و طرح افکار و ایده‌های الهی مبتنی بر عقلانیت به منظور ایجاد تحولات بنیادین در فکر و اندیشه‌ی مردم، سرلوحه‌ی تلاش‌های این فرستاده‌ی الهی گردید.

با وجود اقدامات و پیگیری‌های خستگی‌ناپذیر و دلسوزانه‌ی نبی اکرم (ص) پس از رحلت ایشان به علت کنار زدن اهل بیتش معیارها و ارزش‌های جاهلی مجدداً احیا گردید و به شدت ایده‌ها و افکار اسلامی دچار چالش شدند. به نظر ماکس وبر رفتار انسان‌ها تحت تأثیر علائق است و نه اندیشه‌ها، هر چند مسیری که این رفتارها با پویایی علائق در امتداد آن رانده می‌شوند، غالباً توسط جهان بینی‌هایی تعیین می‌شود که از اندیشه‌ها منشأ می‌گیرند. (Weber, 1958, 280)

روح مذهب در تأثیر تاریخی خود باز بسته‌ی یک پیکره‌ی اجتماعی است. به نظر فون مارتین شکل‌گیری یک فرهنگ یگانه همیشه مستلزم پیوستن یک ایده‌ی روحی - معنوی با یک واقعیت جامعه‌شناختی است. ایده‌ها برای نفوذ در زندگی تاریخی به علایق ملموس و محسوس می‌پیوندند، پس از این امکان تأثیرگذاری آنان فراهم شده و آثار اجتماعی آن به تدریج ظاهر می‌شود. این امر را نباید چنین معنا کرد که ایده‌ها فاقد قدرتند بلکه بدان معناست که قدرت آرمانی اندیشه‌ها برای اینکه در قلمرو وسیع‌تری تأثیر گذارد، نیازمند همکاری نیروهای واقعی است. (Stark, 1960, 268)

در این دیدگاه تعین اجتماعی به معنای توافق آگاهی و شعور با هستی اجتماعی است و با نظریه‌ی مادی معرفت که هستی اجتماعی را تعیین‌کننده‌ی آگاهی می‌داند متفاوت است. (قانع‌راد، ۱۳۸۴، ۱۱۰) بر این اساس بیست و سه سال تلاش بی‌وقفه و صادقانه‌ی پیامبر اکرم (ص) شرایط لازم را برای ایجاد اصلاح بنیادین جامعه فراهم نمود. تعالیم قرآن و سیره‌ی پیامبر (ص) در این مدت منابعی ارزشمند جهت ایجاد دگرگونی بنیادی و اساسی در میان ملل مختلف از جمله اعراب ایجاد کرد.

شکل‌گیری واقعه‌ی سقیفه‌ی بنی‌ساعده و سپس خلافت بنی‌امیه موجب گردید تا این روند متوقف و حتی شکل معکوس به خود گیرد لذا ضرورت دارد عملکرد و فعالیت اهل بیت (ع) به عنوان جانشینان شایسته و ادامه‌دهندگان تحول فرهنگی اسلامی و مبارزه با احیای مجدد جاهلیت مورد بررسی قرار گیرد. بر همین اساس این مقاله سعی دارد بر محورهای زیر تمرکز یابد:

الف - شاخصه‌های مهم فرهنگی جاهلی در عصر نبوت

ب - روند احیای جاهلیت در جامعه‌ی اسلامی

ج - محورهای اقدامات اهل بیت (ع) در برابر رواج فرهنگ جاهلی و بی‌توجهی به فرهنگ

اسلامی

فرہنگ جاهلیت در شبہ جزیرہی عربستان هنگام بعثت پیامبر اکرم (ص)

ہرگونہ دریافت و قضاوت در خصوص کم و کیف اقدامات فرہنگی پیامبر اکرم (ص) و اہل بیتش منوط بہ شناخت نسبی وضعیّت فرہنگی شبہ جزیرہی عربستان و سرزمین ہای همجوار در آستانہی ظہور اسلام می باشد. بارزترین ویژگی این جوامع تسلط جاهلیت بودہ است. جاهلیت در لغت در چند معنا بہ کار رفتہ است. از جملہ بہ معنای حالت جہل، حالت نادانی، دورہی پیش از اسلام در عربستان و احوال عرب در آن زمان و دورہی بت پرستی. (عمید، ۱۳۷۷، ۱، ۶۷۵)

در متون تاریخی نیز بہ این واژہ پرداختہ شدہ است بہ گفتہی احمد امین، جہل در برابر علم نیست بلکہ بہ معنای سفاہت، خشم، تکبر و افتخارات بیجاست. (امین، ۱۹۶۹، ۶۰) همچنین واژہی فوق بہ معنای حماقت، حقارت، سفاہت، خشم و تسلیم ناپذیری در برابر اسلام و احکام آن تفسیر شدہ است. (علی، ۱۳۶۷، ۱، ۴۰) بہ نظر عمر فروخ جاهلیت نامی است کہ قرآن کریم بہ عصر پیش از اسلام اطلاق نمودہ زیرا اعراب در آن عصر، بت می پرستیدند و با یکدیگر بہ نزاع می پرداختند... و چنین است کہ ملاحظہ می کنیم واژہی جاهلیت از جہلی گرفته شدہ کہ در برابر حلم بودہ نہ جہلی کہ متضاد علم است. (فروخ، ۱۹۶۹، ۱، ۴۷)

ابن خلدون جاهلیت اعراب را این گونه تفسیر می کند: «این قوم بر حسب طبیعت، وحشی و یغماگر بودند و موجبات وحشی گری چنان در میان آنها استوار بود کہ جزء خوی و سرشت آنها شدہ بود و از این طریق از قید فرمانبری حکام سرباز می زدند. (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۲۸۱) طبری تصویری

کاملاً تیره و تار از عصر جاهلیت ارائه کرده، چنین می نویسد: قوم عرب خوارترین، بدبخت ترین و گمراه ترین قوم بود که در لانه ای محقر و کوچک میان بیشه ی شیر (ایران و روم) زندگی می کرد. سوگند به خدا در سرزمین عرب چیزی نبود که مورد طمع و یا حسد بیگانگان باشد. هر آن کس از اعراب که می مرد یکسره به دوزخ می رفت و هر آنکه زندگی می کرد و حیات داشت گرفتار خواری و مشقت بود و دیگران لگدمالش می کردند (طبری، ۱۴۰۸، ۴، ۲۵).

ب- جاهلیت از نظر قرآن و سنت

قرآن و سنت نیز برای ارائه ی دیدگاه ها و نظرات خود درباره ی جاهلیت به بیان ویژگی ها و معیارهای آن پرداخته اند. در قرآن هم واژه ی جهل و هم واژه ی جاهلیت استعمال شده است. راغب اصفهانی با ذکر شواهد قرآنی بر این باور است که استفاده ی از جهل در قرآن در این سه معنا می باشد:

۱- نادانی ۲- اعتقاد به چیزی خلاف واقع و حق ۳- انجام عملی برخلاف آنچه حق است. (راغب اصفهانی، [بی تا]، ۱۰۲)

واژه ی جاهلیت چهار مورد در قرآن به کار رفته است:

۱- سوره ی آل عمران (۳)، آیه ی (۱۵۴)؛ در این آیه ظن الجاهلیة ذکر شده است که از نظر برخی مفسرین در این معانی کاربرد دارد:

الف- اندیشه های ناحق (طالقانی، [بی تا]، ۵، ۳۷۳)

ب- دروغ پنداشتن وعده و وعیدهای خدا (طبرسی، ۱۹۸۸، ۱، ۳۹۹)

۲- سوره ی مائده (۵)، آیه ی (۵۰) می فرماید: «آیا حکم جاهلیت را پیروی می کنند و چه کسی بهتر از خدا حکم می کند برای آنانی که یقین دارند». شأن نزول این آیه به مراجعه ی یهودیان به پیامبر

اسلام و درخواست آنها برای حکمی جهت افراد زناکار می کنند که خداوند نفرموده است، حال آنکه آنان با اینکه اهل کتاب بودند همچون دیگر اقوام جاهلی حکم رجم را بر ضعف واجب می دانستند و نه بر اقویا. (میبدی، ۱۳۷۱، ۸، ۴۴) در نتیجه حکم جاهلی در برابر حکم الهی قرار گرفته و جاهلیت نوعی فساد و خودگرایی در برابر خدا می باشد.

۳- سوره ی احزاب (۳۳)، آیه ی (۳۳) می فرماید: «در خانه های خود بمانید و مانند خودنمایی جاهلیت، خودنمایی نکنید». در این آیه واژه ی تبرج الجاهلیه آمده است. تبرج به معنی خودآرایی و خودنمایی زنان در برابر مردان است (رازینی، ۱۳۸۶، ۳۴) و از زنان پیامبر اکرم (ص) می خواهد که همانند زنان جاهلیت خودنمایی نکنند. در نتیجه جاهلیت اقدامی در برابر خداوند و رفتار بی خردانه و هوس آلود است.

۴- سوره ی فتح (۴۸)، آیه ی (۲۶) می فرماید: «هنگامی که کفار در قلب هایشان تعصب جاهلیت قرار دادند». در این آیه واژه ی حمیت جاهلی به کار رفته است. حمیت به حالت خشم، نخوت و تعصب خشم آلود اطلاق می شود و این حالتی است که بر اثر جهل، کوتاهی فکر و انحطاط فرهنگی در میان اقوام جاهلی فراوان بوده و سرچشمه ی بسیاری از جنگ ها و خون ریزی ها می شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۲، ۹۶)

در نتیجه چنین دریافت می شود که قرآن کریم برای جاهلیت معیارهایی را ذکر نموده است که در صورت ظهور مصادیق آن امکان تحقق مواردی از افکار یا رفتارهای جاهلانه در هر زمانی وجود دارد. امیرالمؤمنین علی (ع) در توضیح مصادیق جاهلیت می فرماید: «خداوند پیامبر اسلام را وقتی فرستاد که از دیرباز پیامبری نیامده بود، ملت ها در خوابی طولانی فرو رفته بودند، سررشته کارها از هم گسیخته و آتش جنگ ها در همه جا شعله ور بود. دنیا را تاریکی، جهل و گناه تیره کرده بود. فریب کاری آشکار،

برگ‌های درخت بشر پژمرده و زرد شده و امید ثمری از آن نبود. آب‌ها فرو رفته و فروغ هدایت خاموش شده بود. بدبختی به بشر هجوم آورده و چهره‌ی کریه خود را نمایان کرده بود. ترس دل‌های مردم را فرا گرفته و تنها پناهگاه‌شان شمشیر بود. (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، ۱۴۵) نهایتاً اینکه جاہلیت به معنای سرپیچی از فرامین و هدایت الهی، خودمحموری، گمراهی و بی عقلی است که هیچ کدام مختص به دوره ای خاص نیستند.

اهل بیت (ع) و مسئولیت خطیر حفظ اسلام

واژه‌ی اهل در لغت به معنای خانواده، زن و بچه و بستگان است. (رازینی، ۱۳۸۶، ۲۸) اما هنگامی که به کلمه‌ی بیت اضافه شود به معنی اهل منزل و ساکنین در منزل است. (فراہیدی، ۱۴۰۸، ۴، ۸۹) در مورد نبی اکرم (ص) از آنجا که بیت (خانہ‌ی) آن حضرت محل نزول وحی بوده است، مراد از اهل بیت او افراد خاصی از خاندان ایشان است. این موضوع به تفصیل در منابع معتبر شیعه و اهل سنت نقل شده است. قرآن کریم به روشنی جایگاه ویژه‌ی اهل بیت (ع) را بیان کرده و می‌فرماید: «به درستی که خداوند اراده نموده است تا از شما اهل بیت پلیدی را دور گرداند و تطہیرتان کند». (قرآن کریم، سوره‌ی ۳۳، آیه‌ی ۳۳)

در کتب تفسیر و در روایات مصادیق اهل بیت (ع) ذکر شده‌اند. ام سلمه همسر پیامبر (ص) می‌گوید: «آیه‌ی تطہیر در منزل من نازل شد در حالی که پیامبر (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین را نزد خویش فراخواند و چنین فرمود: خدایا اینها اهل بیت من می‌باشند». (حاکم نیشابوری، ۲، ۴۱۶) همچنین پیامبر اسلام فرمود: «من و علی و حسن و حسین و نه فرزند حسین، تطہیر گردیده و به دور از هر گونه خطا هستیم». (القندوزی الحنفی، ۱۴۱۶، ۳، ۵۰۴) در احادیث متعدد دیگری به اهل بیت (ع) و عصمت علمی و عملی آنان اشاره شده است.

حفظ کیان اسلام و قرآن از تفاسیر نابجا و انحرافات و هدایت جوامع اسلامی مهم ترین مسئولیت اهل بیت (ع) بوده است. این مهم در پرتو بهره‌مندی آنان از دانش بیکران و تقوای الهی فراهم شده است. علامه طباطبایی می‌نویسد: «نبوت، رسالت و امامت صرفاً یک لفظ نیستند بلکه دارای معانی حقیقی و ابعاد واقعی‌اند نه صرفاً اعتبار. هر جا قرآن لفظ امام را به کار برده در کنارش رسالت هدایت و یقین و به فرمان الهی بودن آمده است، بنابراین امام هدایت‌گری است که فرمان ملکوتی خداوند او را همراهی می‌کند». (طباطبایی، ۱، ۲۷۵)

رحلت پیامبر (ص) و تقویت مجدد ارزش‌های جاهلی

چنین به نظر می‌رسد که وقتی بنا بر شرایط و ضرورت‌های زندگی اجتماعی، پدیده‌های فرهنگی شکل می‌گیرد همچون قانون اینرسی (مانند) در فیزیک و نظیر مفهوم «نیروی عادت»^۱ انسان را وامی‌دارد تا راه‌های رفته را ادامه داده و از انتخاب راه‌های جدید دوری نماید، مفهوم اصطلاح خودمختاری کنشی^۲ یعنی تداوم یک رفتار در غیاب انگیزش ابتدایی و اصلی در روان‌شناسی (لمان، ۱۳۵۲، ۱، ۴۶۶) تمایل دارد که تا حد امکان به حیات خود ادامه دهد.

در خصوص جامعه‌ی جاهلی عربستان به جز معدودی از یاران پیامبر اسلام که در کوتاه مدت دچار تحولات شگرفی شدند عموماً تحت تأثیر فرهنگ و ارزش‌های دیرینه‌ی خود قرار داشتند. از طرف دیگر گسترش سریع اسلام در آخرین سال‌های حیات پیامبر (ص) انجام پذیرفت و بسیاری از اعراب شبه‌جزیره‌ی عربستان حتی یک دیدار با ایشان نداشتند و طبعاً امکان استفاده‌ی عمیق و بنیادین از تعالیم اسلامی برای آنان فراهم نگردید.

¹ - Force of habit

² - Functional Autonomy

واقعه‌ی سقیفه که اولین حادثه‌ی سیاسی و اجتماعی پس از رحلت پیامبر (ص) بود، خود شاهده‌ی گویا بر این مدعا می‌باشد. نطفه‌ی این واقعه بر اساس مناسبات قومی شکل گرفت - قبایل اوس و خزرج - از بیم تسلط مهاجرین و به خطر افتادن موقعیت خود پیش از دفن شدن آن حضرت و بدون هیچ گونه برنامه‌ی قبلی برای تعیین حاکم در محلی به نام سقیفه‌ی بنی‌ساعده گرد آمدند. (طبری، ۱۴۰۹، ۲، ۴۵۵) تأمل در منابع معتبر تاریخ اسلام محوریت تعصبات قومی و نژادی و کنار رفتن معیارها و ارزش‌های اسلامی را در این ماجرا بیان می‌کند. خلیفه‌ی اول در اولین سخنرانی خود پس از بیعت با اقشاری از مردم خطاب به آنان گفت: «من بر شما امارت پیدا کردم ولی از شما بهتر نیستم». (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ۲، ۶۶۱)

در این واقعه حق علی (ع) و اهل بیت (ع) با احیای ارزش‌های جاهلی و رقابت‌های دیرینه‌ی قومی به یغما رفت و آنگاه که تعدادی از بزرگان صحابه که از قومیت‌ها و حتی نژادهای مختلفی بودند برای تثبیت موقعیت اهل بیت (ع) تلاش نمودند با مخالفت جدی و سرکوب خشن ذینفعان در سقیفه و اشراف قریش مواجه شدند. (ابن بکار، ۵۸۳ - ۵۸۱) این روند پس از دست‌یابی بنی‌امیه به خلافت سرعت بیشتری یافت.^(۱) فرهنگ و ارزش‌های اسلامی پایمال گردید، به شیوه‌ی حکومت‌های سلطنتی و اشرافی قصر بنا شده و حکومت موروثی گردید.

در نتیجه اعتراض‌ها سرکوب شد و حتی برخی از صحابه‌ی کبار پیامبر (ص) به شهادت رسیدند.^(۲) معاویه که خود سردمدار این جریان بود تلاش نمود تا با جذب برخی راویان بی‌تقوا فرهنگ اسلامی را کاملاً دگرگون نماید لذا جعل حدیث در مخدوش کردن چهره‌ی رسول گرامی اسلام و خاندان وی و متقابلاً طرح فضایی در مدح برخی خلفا و معاویه تعقیب گردید.^(۳)

روند تحولات فرهنگی اعراب شبه جزیره پس از بعثت

نظریات مختلفی در تحلیل چگونگی تحولات فرهنگی جوامع ارائه شده است. از آن جمله نظریه تکامل گرایان است. گردهارد لسنکی که یک نظریه پرداز تکامل گراست عقیده دارد که تحول جامعه به مراحل و مراتب پیچیده تر و نوالزما به معنی ترقی و توسعه نیست. (Lenski, 1966, 53)

برخلاف تکامل گرایان که تغییر اجتماعی را فرایندی مستمر تلقی می کنند، نظریه پردازان چرخه‌ای^۳ آن را به صورت یک حلقه‌ی عظیم ترسیم می کنند. اسپنگلر در زمره‌ی این اندیشمندان قرار دارد. به نظر اسپنگلر، جوامع بشری در مراحل اولیه‌ی حیات خود، زندگی پویا، خلاق و متحولی دارند و به تدریج که به مراحل بعدی می‌رسند از ابداع و خلاقیت آنها کاسته می‌شود و گرایش مفرط به مادیات پیدا می‌کنند. (Spengler, 1918, 45)

متفاوت با آرای نظریه پردازان چرخه‌ای که تغییر را یک سیر تحول طبیعی جوامع می‌دانند، کارکردگرایان معتقدند که جامعه همواره میل به تعادل و ثبات دارد. آنها می‌خواهند این نکته را دریابند که چگونه جوامع در عین تغییر ثبات خود را حفظ می‌کنند. به نظر می‌رسد این الگو تطابق بیشتری بر مردم شبه جزیره در دوره‌ی مورد نظر دارد، به ویژه آنکه با رحلت پیامبر (ص) یکی از عوامل مهم تحول دیگر در جامعه حضور نداشت. فرهنگ این مردم در آستانه‌ی بعثت پیامبر اکرم (ص) دربردارنده‌ی روح تفکر نبود. علم و دانش و حتی خواندن و نوشتن در میان آنان رواج نداشت. چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند حضرت محمد (ص) را زمانی برانگیخت که هیچ کدام از اعراب کتاب نمی‌خواندند». (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق، ۲، ۱۱۴)

³-Cyclical theorists

در واقع روندی که پیامبر اعظم (ص) با بسترسازی‌ها و ایجاد ساختارهای اعتقادی لازم برای برانداختن بنیاد جاهلیت فراهم نمود، در مدتی کوتاه نیز آثار و نتایجی خارق العاده‌ای در بر داشت و حتی می‌توانست به تحولی عمیق در آن جامعه بیانجامد کاملاً رها گردید. در این وضعیت گرایش نخبگان و عامه‌ی مردم در کنار هیأت حاکمه به استمرار فرهنگ گذشته بود که به ظاهر ثبات لازم را دارا بود. چنین به نظر می‌رسد چنانچه اهل بیت (ع) با تمام قوا برای حفظ ارزش‌های اسلامی و مبارزه‌ی با نمودهای فرهنگی جاهلیت و یا وارداتی تجمل‌گرا قیام نمی‌کردند به تدریج با گرایش‌های عامه‌ی مردم و دستگاه حاکمیت و به کمک برخی عالمان عافیت‌طلب و درباری مقوله‌ای به نام فرهنگ ارزش‌های اسلامی دیگر وجود خارجی نداشت. شناخت و بررسی ابعادی از این تلاش‌ها و مجاهدات بی‌دریغ می‌تواند الگوی مناسبی برای همه‌ی نسل‌ها و به ویژه جوانان فراهم نماید.

محورهای اقدامات فرهنگی اهل بیت (ع) در برابر جاهلیت

۱- تأکید بر جایگاه قرآن و رفع مهجوریت آن

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ و تحول فرهنگی، اعتقادات و بینش حاکم بر جامعه است. ایدئولوژی در درون جنگ به عنوان مجموعه‌ای کاملاً به هم پیوسته، هماهنگ و سازمان یافته از ادراکات، تجلی بخش و ارائه‌کننده‌ی نظرات محسوب می‌گردد (روشه، ۱۳۷۹، ۳). در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به عنوان بیان‌کننده‌ی همه‌ی نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد و بدون تردید در مورد چیستی شناخت و چگونگی حصول آن انسان‌ها را دعوت به مراجعه‌ی به این کتاب آسمانی نموده و می‌فرماید: «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه‌ی هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است». (قرآن کریم، سوره‌ی ۱۶، آیه‌ی ۸۹)

اساس تلاش پیامبر اکرم (ص) در طول ۲۳ سال دوران نبوت به عنوان فردی که قرآن ناطق بود - و پس از ایشان معصومین (ع) این مسئولیت را عہدہ دار بودند - بیان، تفسیر و پیادہ کردن رهنمودہا و دستورات این کتاب آسمانی بود. آن حضرت در موارد متعدد بر ضرورت رجوع و توجہ بہ قرآن تأکید نمود. از آن جملہ فرمود: «پس ہنگامی کہ فتنہ ہا همچون پارہ ہای شب تار و ظلمانی بر شما ہجوم می آورند بہ قرآن پناہ آورید... و آن قرآن دلیل و راہنمایی است بر بہترین راہ، کتاب تفصیل و بیان و تحصیل سعادت است. کتاب فصل (جداکنندہ ی حق از باطل) است و نہ کتاب شوخی. ظاہری دارد و باطنی، ظاہرش ہمہ حکمت است و باطنش ہمہ علم. ظہرش لطیف است و باطنش ژرف و عمیق... (مجلسی، ۱۳۶۲، ۳۵، ۱۸۴)

بدیہی بود کہ با کنار نهادن اہل بیت (ع) و دست یابی افرادی همچون خلفای اموی بہ حاکمیت، متروک گذاشتن و رها کردن قرآن بہ عنوان ہدفی اساسی تعقیب شود. پیامبر (ص) پیشتر در این مورد ہشدار دادہ بود چنانکہ در قرآن از قول ایشان چنین آمدہ است: «و پیامبر خدا گفت پروردگارا قوم من این قرآن را رها کردند». (قرآن کریم، سورہ ی ۲۵، آیہ ی ۳۰) اہل بیت (ع) نیز با درک عمیق شان یکی از مہم ترین محور تلاش ہای خود را بر طرح قرآن در ابعاد مختلف حیات مسلمانان قرار دادند. آنان مردم را بہ خواندن قرآن تشویق نمودہ و از مسلمانان خواستند کہ روزانہ حداقل پنجاہ آیہ تلاوت کنند. (کلینی رازی، ۱۳۶۷، ۲، ۶۰۹)

امام رضا (ع) در تأکید اہمیت تلاوت قرآن می فرماید: «دلیل آن کہ در نماز، قرآن می خوانیم آن است کہ قرآن از مہجوریت خارج شود». (مجلسی، ۱۳۶۲، ۸۲، ۵۴) امام علی (ع) بہ منظور فرہنگ سازی و آگاہ نمودن مردم از منزلت قرآن می فرماید: «قرآن ہدایت کنندہ ای است کہ گمراہ نمی سازد، سخنگویی است کہ ہرگز دروغ نمی گوید. پس درمان خود را از آن بخواہید و در سختی ہا

از قرآن یاری طلید که در آن درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها، یعنی کفر و نفاق، سرکشی و گمراهی است. همانا قرآن ریسمان استوار خدا و وسیله‌ی ایمنی، بهار دل و چشمه‌های دانش است. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ۵۸۰) با این روش هدفمند همواره بنیان افکار و ایده‌های جامعه‌ی جاهلی حداقل در میان بخش‌هایی از جامعه متزلزل شده و امکان پرورش انسان‌هایی مومن، وظیفه‌شناس و دارای باورهای راسخ توحیدی فراهم گشت.

۲- بیان منزلت فکری و سیاسی اهل بیت (ع)

هر پیامبری به لحاظ وجودشناسی و معرفت‌شناسی نماینده‌ی اسم الهی معینی است. در حالی که آخرین پیامبر نماینده‌ی مجموع اسماء الهی یا به عبارتی نماینده‌ی واقعیت و حقیقت نهایی است که جامع کلی شریعت است (خمینی، ۱۳۶۰، ۱۵۳). ائمه معصوم (ع) به عنوان نمونه‌های انسان کامل دارای این مقام هستند. اهل بیت (ع) جزء جدایی‌ناپذیر قرآن و دانای به تمام اسرار قرآن بودند. پیامبر مؤکداً بر همراهی این دو با یکدیگر برای هدایت امت اسلامی تأکید نمودند. این گفته‌ها به طور گسترده در کتب تاریخ و روایی شیعه و اهل سنت ذکر شده است. از جمله در گفتاری از پیامبر اسلام که به حدیث وصایت مشهور است. ایشان، علی (ع) را به طور مطلق وصی خود معرفی می‌نماید. (ابن عساکر، ۱۳۹۸ق، ۳، ۹۵)

در موردی دیگر که در منابع از آن با نام حدیث ثقلین یاد می‌کنند رسول اعظم (ص)، اهل بیت خود را هم‌پایه و در کنار قرآن کریم قرار داده است. (قشیری نیشابوری، ۷، ۱۲۳) در کلامی دیگر از آن حضرت که به نام حدیث سفینه شناخته می‌شود ایشان، اهل بیت خود را به کشتی نوح تشبیه می‌کند

که هر کس در آن جای گرفت نجات یافت و هر که تخلف ورزید غرق شد. (نقوی، ۱۴۰۶ق، ۲، ۱۹۶) و....

در تفسیر و یا شأن نزول برخی آیات قرآن به نقش حساس اهل بیت (ع) در هدایت فکری و سیاسی جامعه تصریح شده است که باز هم به منظور رعایت اختصار به ذکر موارد اندکی اکتفا خواهیم نمود. در آیه‌ی اولوالامر اطاعت از آنان هم‌ردیف اطاعت از خداوند متعال و پیامبر (ص) قلمداد می‌شود. چنان‌که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید». (قرآن کریم، سوره‌ی ۴، آیه‌ی ۵۹)

علی (ع) در این ارتباط می‌گوید: «همانا خداوند بدان جهت به اطاعت صاحبان امر فرمان داد که آنان معصوم و پاکیزه هستند و هیچ‌گاه به گناه امر نمی‌کنند». (صدوق، ۱۹۹۶م، ۱، ۱۲۳) همچنین آیه‌ی تطهیر نیز قبلاً ذکر گردید، امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «اهل بیت در کتاب خدا ما هستیم». (ثقفی کوفی، ۱، ۱۹۹) امام صادق (ع) نیز می‌گوید: «به خدا سوگند علم تمام کتاب نزد ماست». (کلینی رازی، ۱۳۶۷، ۱، ۲۲۹)

تلاش قابل توجه اهل بیت (ع) برای معرفی بخشی از جایگاه خود به ویژه از نظر علمی دستاوردهای عمیقی در فرهنگ جامعه‌ی اسلامی در درازمدت بجای گذاشت. با وجود دور ماندن آنان از مصدر قدرت سیاسی اما توجه اقشاری از مردم به هدایت‌گری، تعالیم و رهنمودهایشان موجب شد تا تمایل خلفا و عامه‌ی مردم در احیای جاهلیت دچار چالش شود. جریانات و اشخاصی که بر محوریت اهل بیت (ع) آگاهی یافتند از طریق دست‌یابی به درک و علائق معنوی در یک وضعیت پویا و متحرک قرار گرفته، در نتیجه امکان حضور فعال آنان در تقابل با ناآگاهی و جهل تسهیل گردید.

۳- تأکید بر اهمیت تعقل و مبارزه‌ی با عصبیت

رکن اساسی رواج و سیطره‌ی جاهلیت در شبه جزیره‌ی عربستان بر مدار تعصبات خشک، بی‌منطق و با تکیه بر ارزش‌های نژادی و خونی بود. در واقع عقلانیت در برابر عادات و رسوم که در طول صدها سال بر محور موارد فوق‌الذکر شکل گرفته بود عملاً جایگاه و منزلتی نداشت. آنان رفتار و گفتار خود را بر پایه این عادات و تقلید از پیشینیان خود قرار داده بودند. با بعثت پیامبر (ص) این قبیل عادات مذموم و ناپسند در آیات قرآن و کلام پیامبر (ص) مورد مذمت قرار گرفتند و بارها مردم به تفکر، تدبر و تعقل دعوت شدند از جمله در (قرآن کریم، سوره‌ی ۲، آیات ۷۳، ۲۱۹، ۲۴۲ و ۲۶۶). بعلاوه خداوند متعال بی‌خردی و تقلید کورکورانه را اکیداً مورد مذمت و نکوهش قرار می‌دهد. (قرآن کریم، سوره‌ی ۲، آیه‌ی ۱۷) همچنین قرآن در بیش از سیصد مورد مردم را به استفاده از عقل دعوت کرده است. (طباطبایی، ۵، ۲۵۵)

مقولات عقلی و منطقی در صورت پذیرفته شدن در جامعه به عنوان تجلیات وجدان جمعی همچون اصل خود، مبنای توافق و اجماع قرار می‌گیرند در نتیجه راه برای تفکر اندیشمندانه باز شده و قدرت طایفه و قوم مداری تضعیف می‌شود. عکس این قضیه نیز صادق است از این رو اهل بیت (ع) برای نجات جامعه‌ی اسلامی از این آفت خطرناک همچون سایر موارد با مدد گرفتن از قرآن و رهنمودهای پیامبر (ص) و علم گسترده‌ی خود اقدامات روشنگرانه‌ای انجام دادند، از جمله گوهر عقل و خرد را به عنوان اساس دین، رهوارترین مرکب، بهترین دوست و حتی معیار و میزان برای تقرب به الله و کسب پاداش معرفی نمودند. (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۱۳۷۴، ۱، ۱۵۸)

آنها که خود تحلیل‌گران توانمند اجتماعی بودند با شناسایی عامل اساسی این پیشرفت، بر اهمیت تعقل تأکید نمودند ملاحظه‌ی چند مورد از این سخنان بیانگر همت والای آنان در ترغیب

جامعه به اندیشیدن می‌باشد. علی (ع) می‌گوید: «هیچ بی‌نیازی همچون عقل و هیچ فقری همچون جهل نیست». (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، ۶۱۳) ایشان همچنین رسالت پیامبران را انگیزش و باروری گنجینه‌ی خرد آدمیان می‌دانند. (همان، ص ۳۸) در حدیثی از امام صادق (ع) نیز چنین آمده است: «ثواب و پاداش عمل به نسبت عقل است». (کلینی، ۱۳۶۷، ۱، ۱۲)

۴- اهتمام در امر به معروف و نهی از منکر

پیکره‌ی اصلی جاهلیت را فساد، بی‌بند و باری و رذائل اخلاقی تشکیل می‌داد. مردم شبه‌جزیره به علل مختلف به عادات ناپسندی همچون خونریزی، دزدی و غارت، کشتن فرزندان دختر، فخرفروشی و دیگر مفاصد اخلاقی گرایش داشتند. بدون تردید ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر می‌توانست از شکل‌گیری و گسترش موارد فوق‌الذکر ممانعت نموده و حتی موجب تحکیم حیات دینی و استواری فرایض و سنن الهی در جامعه گردد. به گفته‌ی امام باقر (ع) با امر به معروف و نهی از منکر سایر واجبات انجام می‌گیرد و راهها امن می‌شود (عاملی، ۱۳۳۰ق، ۶، ۳۵۹) امام علی (ع) در مدت کوتاه خلافتش با وجود گرفتار شدن در جنگ‌های داخلی و آشوب‌های پی‌درپی خیانتکاران با تشخیص رگه‌های گسترش فساد در جامعه به اقدامات گسترده‌ای جهت اعاده‌ی معروف و طرد منکر اقدام نمود. وی با ترسیم سیمای متقین (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، ۴۰۹) مردم را به پیروی از تعالیم حیات‌بخش اسلام، عمل نیک، پرهیزگاری، بردباری، کنترل زبان و خودسازی فراخواند. (همان، ۳۳۴) این ویژگی‌ها در عمل و گفتار همه‌ی اهل‌بیت (ع) تجلی داشته است، چنان‌که امام حسین (ع) یکی از اهداف نهضت جاودانه‌اش را اصلاح امت اسلامی دانست و در آغاز حرکت از مدینه به طرف کوفه به

برادرش محمد بن حنیفه چنین وصیت کرد: «نهضت من برای پیروزی و رستگاری و سامان بخشیدن به امت جدم محمد (ص) است». (ابن عثم کوفی، ۵، ۳۳)

امام حسین (ع) در فرصت‌های مختلفی به بیان وضعیت نابسامان جامعه‌ی اسلامی در زمان حاکمیت امویان و به ویژه یزید پرداخت و درباره‌ی فساد آنان چنین گفت: «... بدانید که اینان از شیطان پیروی می‌کنند و اطاعت از خدا را ترک گفته و فساد را آشکار کرده و حدود الهی را تعطیل کرده و اموال عمومی را مخصوص خود گردانیده‌اند. حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام شمرده‌اند...» (طبری، ۱۴۰۹، ۴، ۳۰۴)

اهمیت ویژه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در همت فوق‌العاده‌ی این رهبران کاملاً مشهود است. از این رو امام سجاد (ع) می‌فرماید: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، نظیر کسی است که کتاب خدا را پشت سر افکند مگر آنکه انسان در تقیه‌ی ویژه به سر برد». (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق، ۲۹۴)

۵- افشای حاکمان فاسد

قواعد و ویژگی‌هایی که در قرآن و سخنان پیامبر (ص) در مورد صفات و خصوصیات افرادی که شایستگی پذیرش حکومت در میان مسلمانان را دارند نشان از وجود برنامه‌ای جامع و هدفمند برای تحقق مناسب حکومت الهی است. بر این اساس مردم نیز خلیفه‌ی خدا بر روی زمین هستند و باید فردی بر آنان حکومت نماید که همچون پیامبر (ص) با دارا بودن علم و تقوا بستر مناسب جهت اعتلای معنوی و مادی جامعه را فراهم کند. شیعه‌ی امامیه مرجعیت علمی و دینی را حق خالص و منحصر به فرد علی (ع) می‌داند و مراجعه‌ی علمی و معنوی را تنها به آن بزرگوار و یازده فرزندش روا می‌شمارد.

(طباطبایی، ۱۳۷۳، ۲۸) اهل سنت نیز خلافت را امری شرعی و الهی می‌شمارند، گرچه مقام ابلاغ

معارف الهی و عصمت را برای خلیفه لازم نمی‌دانند. (ماوردی، ۱۴۰۸ق، ۲، ۷)

گرچه در کل از خلفای راشدین نوعی رضایت نسبی وجود داشت اما خلفای اموی بدون هیچ ابایی به بسیاری از تعالیم و احکام اسلامی بی‌اعتنایی نمودند آنان در کلام و تبلیغات خود بر تغلب و جبر الهی در مشروعیت خود تأکید داشتند چنان که عباسیان بر عنصر وراثت (طوسی، ۱۳۳۵، ۷) پافشاری می‌کردند. اهل بیت (ع) که وجود خلفای فاسد را یکی از مهم‌ترین راه‌های بازگشت و تسلط جاهلیت بر جامعه‌ی اسلامی می‌دانستند و از طرفی به سبب ظلم و جنایت بی‌حد و حصر این خلفا کمتر کسی جرأت مخالفت با آنان را می‌نمود خود پای به میدان نهادند. این جهاد فرهنگی علاوه بر اینکه موجب هشدار به خلفا بود همچنین با انعکاس نسبی آن در جامعه تأثیرات عمیق فرهنگی حداقل در برخی اقشار ایجاد گردید. ذکر بعضی از این موارد و محورهای مورد تأکید این بزرگواران گویای این مدعا می‌باشد.

امام حسن (ع) در نامه‌ای خطاب به معاویه چنین می‌نویسد: «ما در شگفتیم از کسانی که در گرفتن خلافت بر ما یورش آوردند و حکومت رسول خدا را از ما ربودند و اگرچه دارای سابقه بودند، ما برای اینکه منافقین و احزاب وسیله‌ای برای خرابکاری در دین به دست نیاوردند، سکوت کردیم ولی شگفتا ای معاویه تو به کاری زده‌ای که شایستگی آن را نداری زیرا نه به فضیلتی در دین معروف هستی و نه در اسلام دارای اثری پسندیده می‌باشی. تو پسر دشمن‌ترین قریش نسبت به رسول‌الله می‌باشی. (اصفهانی، ۱۴۰۸ق، ۶۵)

امام حسین (ع) نیز در نامه‌ای به معاویه در حالی که وی پس از سال‌ها خلافت با تطمیع و کشتار هر صدایی را خفه کرده بود می‌نویسد: «ای معاویه تو بعد از رسول‌الله راه خلاف پیش گرفتی و از بیعت

با امام برحق سرباز زدی. اکنون مکر و حیلہ ی تو نزد همگان ظاهر شده است. تو در حق یزید افراط کردی و در تفضیل او زیاده روی نمودی و از اظهار حق بخل ورزیدی و از حق تجاوز کردی و درباره ی حقیقت ستم نمودی...» (دینوری، ۱، ۱۸۶)

همین امام آنگاه که توسط والی مدینه با تهدید دعوت به انجام بیعت با یزید شد چنین فرمود: «ما خاندان نبوت و معدن پیام آوری و محل رفت و آمد ملائکه و رحمت الهی هستیم... و یزید مردی بدکار و شراب خوار و قاتل انسان های بزرگوار است و همچون من با مثل او بیعت نخواهد کرد. (ابن اعثم کوفی، ۳، ۱۴) امام حسین (ع) پیش از رسیدن به کربلا طی سخنانی اوج آزادی در برابر این قبیل خلفا را برای همه ی بشریت به تصویر کشید. وی برای حفظ کیان اسلام از غوطه ور شدن در فرهنگ ضد ارزشی جاهلیت و حاکمیت خلفای ناپاک، فرهنگ شهادت را در جامعه ی اسلامی تثبیت نمود. این فرزند رسول خدا (ص) چنین فرمود: «ای مردم ما خاندان رسول خدا به کار خلافت شما از این مدعیان ناحق - که با شما رفتار ستمگرانه دارند - شایسته تریم. مگر نمی بینید که به حق عمل نمی کنند و از باطل باز نمی دارند؟ به راستی مؤمن باید مشتاق دیدار خدا باشد. من مرگ را جز نیک فرجامی نمی دانم و زندگی با ستمگران را جز ذلت نمی بینم.» (طبری، ۱۴۰۹ق، ۴، ۳۰۳)

۶- تبیین و تعمیق نظام ارزشی اسلام

با اعتراف به دشواری و تعدد تعاریف و اثره ی ارزش به این مختصر اکتفا می کنیم که آن شیوه ای از بودن یا عمل است که یک شخص یا یک جمع به مثابه ی آرمان [ایده آل] می شناسد و افراد یا رفتارهایی را که بدان نسبت داده می شود مطلوب و مشخص می سازد. (روشه، ۱۳۷۰، ۷۶) بر اهمیت ارزش ها در حیات جمعی بشر بسیار تأکید شده است گاه بستر تحولات فرهنگی از طریق مطالعه ی

تحولات ارزش‌ها انجام می‌پذیرد. دور کیم معتقد است که کنش‌های اجتماعی افراد و مهم‌تر از آن نظم حاکم بر روابط انسان‌ها و جامعه‌ی انسانی تحت تأثیر ارزش‌ها و نیروی اخلاقی حاکم بر افراد که همانا فرهنگ موجود در روابط میان افراد و جوامع است می‌باشد. اگر این ارزش‌ها و نیروی اخلاقی و به عبارتی فرهنگ نباشد قانون حاکم بر جامعه‌ی انسانی، فرقی با قانون جنگل نخواهد داشت. (دور کیم، ۱۳۶۹، ۹)

ارزش‌ها و نیروی اخلاقی حاکم بر جامعه‌ی جاهلی عربستان با سیره‌ی اخلاقی پیامبر (ص) دچار تحول گردید. قطعاً اگر جانشینان شایسته‌ی آن حضرت بر مسند خلافت قرار می‌گرفتند، این تحول عظیم اخلاقی بخش‌های گسترده‌ای از جهان را دربر می‌گرفت. با وجود اینکه دست اهل بیت (ع) از قدرت سیاسی دور ماند اما جاذبه‌ی اخلاق الهی آنان همواره بیانگر تمایز نظام ارزشی اسلام در برابر نظام جاهلیت بود، همچنین روش اخلاقی آنها به پیروی از جدشان پیامبر (ص) گنجینه‌ای ارزشمند است و در این مجال کوتاه به ذکر چند مورد اکتفا خواهد شد.

امام حسن (ع) که الگوی حسن خلق و گذشت است می‌فرماید: «مکارم اخلاقی ده چیز است: راستگویی زبان، راستگویی در مردانگی، بخشش به سائل، خوش‌خویی، پاداش نیکی‌ها، صلح‌ی رحم، نگهداری حقوق و حرکت همسایه، شناختن حق همراه، پذیرایی مهمان و حیا سرآمد آنهاست. (یعقوبی، ۱۴۱۴ق، ۲، ۲۲۶)

فرزدق، شاعر معروف در برابر سؤال هشام بن عبدالملک پیش از رسیدن به خلافت در مورد امام سجاد (ع) در حالی که مردم اطرافش اجتماع کرده بودند، اشعاری سرود که ترجمه‌ی بخشی از آن چنین است: «این مرد کسی است که دره‌ی مکه جای پای او را می‌شناسد، خانه‌ی کعبه و حرم و خارج

آن او را می شناسد، این فرزند بهترین همه ی بندگان خداست. این مرد پرهیزکار و پاکیزه و پاکی است که نمونه است». (مفید، ۲، ۱۵۰)

این گونه کلام و اعمالی که افق ارزش های اسلامی را توسط اهل بیت (ع) روشن نگاه داشت موجب گردید تا همواره نظام ارزشی اسلام پویا و فعال در جامعه ای که از هر جانب مورد هجومی جاهلیت قرار داشت به عنوان اندیشه هایی متعالی مبنای گرایش مؤمنان و پرهیزکاران قرار گیرد.

نتیجه

نهضت همه جانبه ی فکری و عملی پیامبر اکرم (ص) در راستای برافکندن نظام جاهلی و جایگزینی ارزش های اسلامی پس از رحلت ایشان به دلایل مختلف متوقف و حتی وارونه گردید. این روند به ویژه در عصر خلفای اموی و عباسی و با اهتمام آنان در رواج فساد، انحطاط اخلاقی، آداب و رسوم جاهلی و کوییدن تعالیم اسلامی سرعتی مضاعف به خود گرفت. اهل بیت پیامبر (ع) به عنوان ادامه دهندگان راستین راه ایشان در چنین شرایط بحرانی در تمام عرصه های لازم حضور یافتند.

تبیین جاهلیت حتی در شکل و هیأت جدید خود که مطلوب بسیاری از مسلمانان بود و تشریح آثار اندوهبار آن بر جامعه ی مسلمین که سبب بحران های اخلاقی و اجتماعی شده بود از جمله ی اقدامات این فرزندان پیامبر (ص) بود. آنان همچنین راه های نفوذ جاهلیت را برای مردم تبیین نمودند. اقداماتی همچون زنده نگهداشتن قرآن در جامعه، بیان منزلت اهل بیت (ع)، تأکید بر تعقل، اهتمام در امر به معروف و نهی از منکر، افشای حاکمان فاسد و تبیین نظام ارزشی اسلام برای نیل به این منظور بود.

در نتیجه‌ی این اقدامات بین اسلام راستین و نظام جاهلیت در لوای اسلام مرزبندی به وجود آمد. سالکان و پیروان اهل بیت (ع) نیز خواه در آن ایام و یا اعصار بعد با بهره‌مند شدن از این منبع هدایتگر به شناخت عمیقی از تحولات پیچیده و بعضاً مبهم عصر خود دست یافتند. در نهایت با وجود این آسیب‌ها و فتنه‌ها از جمله وقوع حادثه‌ی کربلا، ارزش‌های اسلامی در درون این بلاهای جانکاه استمرار یافت و حتی به نسل‌های بعد منتقل گردید.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- البته در زمان خلیفه‌ی سوم نیز برخی رفتارهای مخالف ارزش‌های اسلامی به وقوع پیوست، چنان‌که ولید بن عقبه برادر مادری خلیفه و استاندار کوفه، شب‌ها با رقاصه‌ها و خوانندگان به عسرت و میگساری مشغول بود و حتی یک روز در حال مستی به مسجد آمد. (مسعودی، ۲، ۳۴۴)
- ۲- از جمله‌ی این افراد حجرین عدی است که تنها به جرم طرفداری از اهل بیت (ع) به دستور معاویه دستگیر و به علت نپذیرفتن فرمان معاویه مبنی بر بیزاری جستن از علی (ع) به همراه پنج نفر از یارانش به شهادت رسید. (بلاذری، ۱۴۲۴ق، ۵، ۲۱۰۹)
- ۳- ابوهریره و کعب الاحبار تلاش زیادی در جعل حدیث و مخدوش کردن فرهنگ اسلامی انجام دادند. از جمله در فضیلت معاویه گفتند: «خداوند به پیامبرش وحی نمود معاویه را کاتب خود قرار بده زیرا او امین است». (امینی، ۱۳۶۲، ۱۰، ۱۶۳)

منابع

- ۱- قرآن کریم.

- ۲- نهج البلاغه، تحقیق و ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: پیام عدالت، ۱۳۸۵.
- ۳- ابن اعثم کوفی، ابی محمد احمد، الفتوح، بیروت: دارالندوة الجدیده.
- ۴- ابن بکار، زبیر، الاخبار الموفقیات، تحقیق سامی مکی العانی، بغداد، مطبعة العانی.
- ۵- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، تذکرة الخواص، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸.
- ۶- ابن خلدون، عبدالرحمن؛ مقدمه، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶.
- ۷- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، ۱۳۷۳ق.
- ۸- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسین، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: مؤسسه محمودی، ۱۳۹۸ق.
- ۹- ابن قتیبہ، عبداله بن مسلم، المعارف، قاهره، ۱۳۰۰ق.
- ۱۰- ابن کثیر، ابوالفداء، البداية و النهایة، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.
- ۱۱- ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویه، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، مصر: طبقه مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۷۵ق.
- ۱۲- اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، بیروت: منشورات الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
- ۱۳- امین، احمد، فجر الاسلام، بیروت: ۱۹۶۹.
- ۱۴- امینی، عبدالحسین، الغدیر، ترجمه‌ی زین العابدین قربانی، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۶۳.
- ۱۵- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴.

- ۱۶- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق محدث ارموی، [بی جا]: مطبعة بهمن، بی تا.
- ۱۷- حاکم نیشابوری، ابو عبدا...، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
- ۱۸- خمینی، سید روح اله، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، ترجمه ی سید احمد فهری، تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۰.
- ۱۹- دور کیم، امیل، درباره ی تقسیم کار اجتماعی، ترجمه ی باقر پرهام، بابل: کتابسرای بابل، ۱۳۶۹.
- ۲۰- دینوری، ابن قتیبہ، الامامة و السياسة، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره: دارالمعارف، بی تا.
- ۲۱- رازینی، علی، پژوهشی پیرامون مفردات قرآن، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۱.
- ۲۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب الفاظ القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
- ۲۳- روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه ی منصور وثوقی، تهران: نی، ۱۳۷۹.
- ۲۴- روشه، گی، کنش اجتماعی، ترجمه ی هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۰.
- ۲۵- صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۶.
- ۲۶- طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران: بی نا، بی تا.
- ۲۷- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: اعلمی، بی تا.
- ۲۸- طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، قم: جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ۱۳۷۳.
- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۸۸.
- ۳۰- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
- ۳۱- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۳۲- طوسی، خواجه نصیر، رساله‌ی امامت، به اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران،

۱۳۳۵.

۳۳- عاملی، حر، وسایل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۳۰ق.

۳۴- علی، جواد، تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام، ترجمه‌ی محمدحسین روحانی، بابل: کتابسرای باب

بابل، ۱۳۶۷.

۳۵- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۳۶- فراهیدی، ابی‌عبدالرحمن، کتاب‌العین، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی، ۱۴۰۸ق.

۳۷- فروخ، عمر، تاریخ‌الادب العربی، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۶۹.

۳۸- قانع‌یراد، سیدمحمدامین، جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران (دوره‌ی اسلامی)، تهران:

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، ۱۳۸۴.

۳۹- القندوزی الحنفی، سلیمان‌بن‌ابراهیم، ینابیع‌الموده، قم: اسوه، ۱۴۱۶ق.

۴۰- قشیری نیشابوری، مسلم‌بن‌الحجاج، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.

۴۱- کلینی رازی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۶۷.

۴۲- لمان، نرمان، اصول روان‌شناسی، ترجمه‌ی محمود ساعتچی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲.

۴۳- لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه‌ی هاشم حسینی، ۱۳۵۸.

۴۴- ماوردی، ابویعلی محمدبن‌حسین فراء، احکام السلطانیه، مصر: مصطفی‌البابی‌الحلبی و اولاده،

۱۴۰۸ق.

۴۵- مجلسی، محمدباقر، بحار‌الانوار، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۶۲.

۴۶- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین

عبدالحمید، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.

۴۷- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: اسلامیة،

بی تا.

۴۸- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴.

۴۹- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۴.

۵۰- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران:

بی تا، ۱۳۷۸.

۵۱- نقوی، حامد، خلاصة العقبات، تلخیص سید علی میلانی، قم: مطبعة سیدالشهداء، ۱۴۰۶ق.

۵۲- یعقوبی، ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق.

53- Lenski, Gerhard; power and privilege: A Theory of social stratification, New York: Mcgrawhill, 1966.

54- Stark, w; The sociology of knowledge, RKP, 1960.

55- Weber, Max. the social psychology of the world Religions, trans and edit. H.H.Gerth and C.V.Mills. oxford university press, 1958.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی